

اخبار

فیلم‌های پرستاره در راه اکران آنلاین

مآنده کاشیان: پس از این که فیلم «خروج» ساخته ابراهیم حاتم‌کی برای اولین بار به صورت اینترنتی و در سینمای آنلاین ایران شد، فیلم «طلا» به کارگردانی پرویز شهبازی، دومین فیلمی ست که اکران آن از دیروز آغاز شده است. علاوه بر این دو فیلم، آثار دیگری مانند «سراسر شب»، «مهمانخانه ماه نو» و «هفت‌ونیم» هم در نوبت اکران آنلاین هستند و به زودی در سرویس‌های وی‌اودی نمایش داده خواهند شد. تقاضای اکران آنلاین این فیلم‌ها که همگی متعلق به بخش خصوصی هستند، نشان از موفقیت طرح اکران آنلاین و سودآوری آن می‌دهد. در ادامه به پهلانه اکران دومین فیلم سینمایی آنلاین، درباره این چهار فیلم و شانس آن‌ها برای موفقیت در اکران اینترنتی می‌خوانید.

سراسر شب

فیلم «سراسر شب» به کارگردانی فراد موتمن سال ۹۶ ساخته شده است و اکنون پس از سه سال بالاخره قرار است به صورت اینترنتی اکران شود. اکران آنلاین بهترین فرصت برای فیلم‌هایی است که تا به حال رنگ پرده را ندیده‌اند و «سراسر شب» هم از این قاعده مستثنا نیست. تا به حال چند بار زمزمه‌های اکران فیلم شنیده شده، اما باز هم به اکران نرسیده و این موضوع مورد اعتراض فراد موتمن هم بوده است.

فیلم به پهلانه حضور بازیگرانی مانند الناز شاکردوست و آزاده صدقی می‌تواند توجه مخاطب را به خود جلب کند، اما «سراسر شب» با آن دسته از فیلم‌های سینمایی که مورد پسند عامه مخاطبان است فرق می‌کند و بعید است که بتواند در اکران عمومی نظر این گروه از تماشاگران را جلب کند و فروش عجیبی داشته باشد. همان طور که از نام فیلم پیداست، بخش زیادی از آن در شب فیلم برداری شده است. سبنا حجاری خواننده سبک راک به «سراسر شب»، برای اولین بار عرصه بازیگری را تجربه کرده است و می‌تواند طرفداران خود را به تماشای این فیلم ترغیب کند.

طلا

فیلم «طلا» اثر پرویز شهبازی و تهیه‌کنندگی مشترک رامبد جوان و محمد شاکر، اولین بار در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی و نامزد دریافت سیمرغ بهترین فیلم نام شد. این فیلم قرار بود پاییز سال ۹۸ اکران شود، خبری از نمایش آن نشد و اکران آن از دیروز آغاز شده است. پرویز شهبازی آخرین بار سال ۹۶ با فیلم «مالارای»، حضور موفق در جشنواره گیشه نداشت، اما این کارگردان فیلم‌هایی مانند «رینده» و «فس» عمیق بر در کارنامه دارد. سابقه حضور پرویز شهبازی در قهوه‌گویی و فیلم نامه‌نویسی می‌گوید فیلم «طلا» جزو آن دسته از فیلم‌های اجتماعی است که می‌تواند در این روزهای خاننشینی، بااستقبال نسبی مخاطبان سینمای آنلاین روبه‌رو شود. این فیلم در اکران عمومی نمی‌توانست به فروش بالایی دست پیدا کند و شاید اکران آنلاین نتیجه بهتری را برای آن رقم بزند. ستاره‌های پرطرفداری مانند هومن سیدی که در یک سال گذشته در هیچ فیلمی بازی نکرده و مشغول کارگردانی سریال «قورباغه» بوده وهمچنین طناز طباطبایی، شانس «طلا» را برای موفقیت در اکران آنلاین بالا می‌برد.

مهمانخانه ماه نو

فیلم «مهمانخانه ماه نو» محصول همکاری سینمای ایران و ژاپن است و کارگردانی آن تاکوفی تسوسویی برعهده داشته. دو بازیگر ژاپنی در این فیلم ایفاي نقش کرده‌اند که یکی از آن‌ها برای مخاطبان ایرانی با سیرال «سال‌های دور از خانه» و بازی در نقش «اوشین» شناخته می‌شود. مهناز افشار تنها ستاره این فیلم است و لاله مرزبان، نسیم ادبی، مریم یوایی و علی شاهن، دیگر بازیگران فیلم هستند. قاصه این فیلم نوشته نعمه ثمنینی، حول کاراکتری به نام «وشین» می‌چرخد و داستان او و دخترش را روایت می‌کند. «وشین» با بازی مهناز افشار، دخترش را به تنهایی با زندگی‌های زیادی بزرگ کرده و زندگی آرامی دارند تا این که طی اتفاقاتی یک مرد ژاپنی وارد می‌کند. این‌ها می‌شود و اوضاع تغییر می‌کند. فیلم برداری «مهمانخانه ماه نو» در ایران و ژاپن انجام شده است. ممکن بود این فیلم در اکران عمومی تا حدودی مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد، اما نمی‌توان پیش‌بینی فروش بالایی برای آن داشت و بعید به نظر می‌رسد که اکران آنلاین به ضرر آن تمام شود.



بسیاری از نخبگان عرصه تجارت جهانی معتقدند دنیای سرمایه گذاری پس از کرونا تغییر معناداری خواهد کرد و به عنوان مثال در دنیای هنر توجه به آثاری که هویت انسانی و جوادانگی نبوغ بشر را بازتاب دهند ارزش متفاوتی خواهند یافت.

اقتصاد هنر پسا کرونا نیز مانند دیگر بازارهای مالی متفاوت خواهد بود؛ در نخستین قدم بازار هنر پسا کرونا نیازمند مولفه های نوظهور است تا موتور محرک سرمایه گذاران هنری شود. حالا نخبگان فکری و حتی کارشناسان پیشرو دنیای تجارت می گویند تلنگر کرونا به جامعه انسانی این خواهد بود که عمر و زندگی بشری شکننده تر از شیشه است و با این پیش فرض علاقمندی به آثار کهن که بازنمایی قدمت،اصالت و هویت دارد دو چندان خواهد شد و این سر آغازی ست بر بازگشت مارکت هنر به هنرهایی مانند خط ،خوشنویسی و صنایع دستی.

بدیهی ست در این میان ستاره های بازار هنر ، بزرگان و مسترهایبی مانند میرعماد الحسنی خواهند بود که در سال های اخیر نیز با اقبال روزافزون خریداران هنر روبرو بوده است.

مریم درویش در این باره نوشته است: میرعماد حسنی قزوینی، میرعماده الحسنی یا عمادالملک حسنی از درخشان‌ترین ستاره‌های آسمان هنر خوشنویسی است. او از مشهورترین خوشنویسان تاریخ هنر ایران است که بیشترین تأثیر را در عرصه خط نستعلیق گذاشت و چنان پایه‌های این خط را استحکام بخشید که با گذشت چند قرن همچنان خط نستعلیق به عنوان «عروس خطوط» نامیده می‌شود.

میرعماد سال ۹۶۱ قمری در قزوین و در خانواده‌ای از کاتبان و کتابداران دوره صفوی به دنیا آمد. او در کودکی، در قزوین و اصول خوشنویسی را آموخت و در جوانی برای آموختن بیشتر به تبریز رفت. او انقدر از روی آثار استادان مختلف مشق کرد تا اینکه سرآمد خوشنویسان زمان و شش قرن قبل از خود شد خوشنویسی در آن روزگار هنری کاربردی بود، پس میرعماد نیز مدتی در خراسان و هرات به عنوان کاتب کتابخانه فرهاد خان قرامانلو، از امرای لشکریان شاه عباس، مشغول به کار بود. پس از آن به اصفهان و دربار شاهعباس صفوی رفت و در طول شانزده سال زندگی در اصفهان شاگردان فراوانی تربیت کرد و آثار هنری

روزنامه

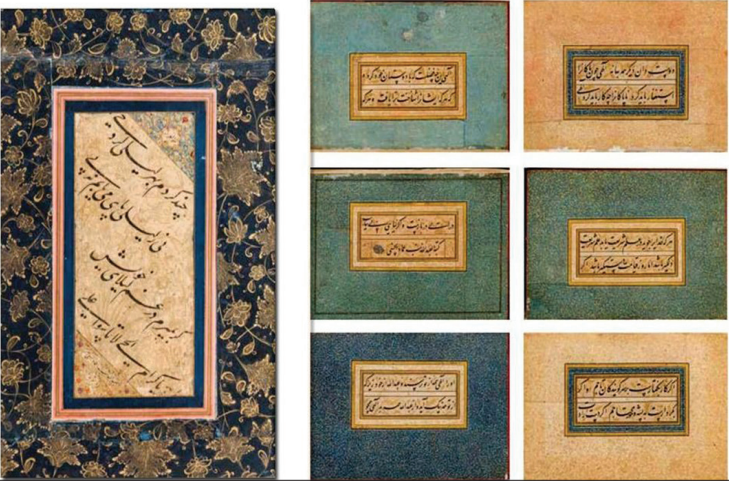
روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب – خیابان جازمآزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۱۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لینوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

خط میرعماد در آستانه جهش قیمت باورنکردنی

سرمایه گذاری های نوین پس از کرونا را بشناسید



بسیاری خلق کرد. اما او سرانجام خوشی در این شهر نداشت و بدگویی حاسدان نزد شاه‌عباس باعث برافروختن خشم شاه و قتل میرعماد در سن شصت‌وسه‌سالگی به سال ۱۰۲۴ شد. شهرت خط میرعماد در زمان حیات او مرزهای ایران را درنوردید و در دربار گورکانیان هند و پادشاهان عثمانی هم قدر و منزلت ویژه‌ای داشت. همین مسئله باعث شده بود نه تنها او از متمول‌ترین مردان ایران باشد، که در همان زمان عده‌ای از خوشنویسان آثار او را جمل کرده و به فروش می‌رساندند و به همین دلیل آثار مجعول فراوانی به نام میرعماد وجود دارد.از این روست که این‌روژها مشتاقان خرید خط میرعماد ترجیح می دهند آثار او را از حراج ها و گالری های معتبری خریداری کنند که قدرت کارشناسی اصالت آثار او را دارند.

از میرعماد آثار خطی فراوانی به جای مانده است که در موزه‌های معتبر ایران و جهان و مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شوند. رساله باباشاه اصفهانی، گلستان و بوستان سعدی، مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری از جمله آثار به‌جامانده از اوست. خط میرعماد دارای چنان زیربنای محکمی است که نه تنها در زمان حیات او تأثیر فراوانی بر معاصران خود داشت که تا روزهای بعد نیز خوشنویسان از روی قطعات او مشق کردند. هرچند خط نستعلیق توسط میرعلی تبریزی قانون‌مند شد، اما کمال و اوج این خط در آثار میرعماد رخ داد و او توانست بسیاری از نواقص حروف و کلمات و اصول این خط را از میان بردارد.

جایگاه والای میرعماد در هنر ایرانی به حدی است که موزه‌ای به نام او در تهران وجود دارد. موزه خط و کتابت میرعماد، سال ۷۶ در یکی از بناهای قدیمی مجموعه فرهنگی و تاریخی سعداباد افتتاح شد. در این موزه به سالن به آثار میرعماد اختصاص یافته و

در بخش‌های دیگر آن آثاری از هنرمندانی همچون فتعلی حجاب شیرازی، فتح‌الله میرزا شعاع‌السلطنه، درویش عبدالمجید طالقانی، سیدعلی نیاز، عبدالجواد عنقا، میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا رضا کلهر، میرعلی تبریزی و… از دوره‌های صفوی، تیموری، زندیه و… به نمایش درآمده است.

بازار خط میرعماد در ایران و جهان

اما جدا از جایگاه معنوی خط میرعماد، ارزش مادی آثار او نیز در طی چند قرن حفظ شده است. خط او که گفته می‌شود در زمان حیاتش با مظلای مواضع می‌شد، در این روزگار به حراج‌های هنری داخل و خارج از کشور راه پیدا می‌کند و بسیاری از علاقه‌مندان حاضر هستند مبالغ بالایی برای آن پرداخت کنند.

بهترین نمونه‌های این جایگاه والا، عرضه اثری از میرعماد در حراج باران در مهرماه ۹۵ بود که برای اولین بار در ایران رخ داد و پس از استقبال فراوان حاضران در حراج، این اثر به رقم ۶۰۰ میلیون تومان دست یافت. باین‌حال بازارهای جهانی خیلی زودتر به آثار میرعماد توجه داشتند. از سال ۲۰۰۵ به آثار او در حراج‌هایی مانند کریستیز و استایز حضور داشت و حدود ۳۰ بار این حضور تکرار شد. قیمت آثار میرعماد در دوره‌های مختلف رشد بسیار قابل توجهی داشت و در سال ۲۰۱۲ اثری از او در حراج کریستیز به مبلغ ۳۹۶۵۰ پوند چکش خورد. فروش موفقیت‌آمیز آثار میرعماد در این سال‌ها بار دیگر تأکیدی بر جایگاه او در دنیای هنر و بازارهای جهانی است. البته به حتم بازار جهانی هنر به قیمت آثار میرعماد در تهران و ایران به عنوان موطن هنرمند توجه دارد و خوشبختانه بار دیگر سوم اسفند ۱۳۹۷ یک کار بسیار چشمگیر از این استاد بی بدیل در سومین حراج باران به مزایده گذاشته شد که با ارتقای ارزش قیمت میرعمادالحسنی، چهره خاص خوشنویسی ایران همراه بود، تابلوی شش قطعه ای مربع از این استاد بی بدیل که ۶۰۰ تا ۶۵۰ میلیون تومان برآورد شده بود با قیمت ۷۰۰ میلیون تومان فروخته شد.

میلیون تومان فروخته شد. این آثار میرعماد

جایگاه والای میرعماد در هنر ایرانی به حدی است که موزه‌ای به نام او در تهران وجود دارد. موزه خط و کتابت میرعماد، سال ۷۶ در یکی از بناهای قدیمی مجموعه فرهنگی و تاریخی سعداباد افتتاح شد. در این موزه به سالن به آثار میرعماد اختصاص یافته و خواهیم بود.

جایگاه والای میرعماد در هنر ایرانی به حدی است که موزه‌ای به نام او در تهران وجود دارد. موزه خط و کتابت میرعماد، سال ۷۶ در یکی از بناهای قدیمی مجموعه فرهنگی و تاریخی سعداباد افتتاح شد. در این موزه به سالن به آثار میرعماد اختصاص یافته و

جایگاه والای میرعماد در هنر ایرانی به حدی است که موزه‌ای به نام او در تهران وجود دارد. موزه خط و کتابت میرعماد، سال ۷۶ در یکی از بناهای قدیمی مجموعه فرهنگی و تاریخی سعداباد افتتاح شد. در این موزه به سالن به آثار میرعماد اختصاص یافته و

جایگاه والای میرعماد در هنر ایرانی به حدی است که موزه‌ای به نام او در تهران وجود دارد. موزه خط و کتابت میرعماد، سال ۷۶ در یکی از بناهای قدیمی مجموعه فرهنگی و تاریخی سعداباد افتتاح شد. در این موزه به سالن به آثار میرعماد اختصاص یافته و



که پس از ترور نخست‌وزیر دیگر نمی‌توانستند در کشور بمانند و درحالی که توقیف لنجش (بمبک) نزدیک بود با اصرار یک دلال، گروهی از تبعیدی‌های شور را که چندسال ساکن بندر بودند، میان آب برد و آخر با لنجی به اسکله برگشت که همه مسافرانش کشته شدند. این فیلم یکی از ماندگارترین‌های سینمای ایران است. از لوکیشن‌های «ناخدا خورشید» که یکبار با بالامندن دریا از بین رفت و دوباره آن را بنا کردند، اکنون چیزی باقی نمانده. تقوایی عمال پیش گفته بود: «بندر لنگه یکی از زیباترین بندار ایران و از لحاظ معماری و تجارت خاص بود. فیلم ناخدا خورشید در دو بندر لنگه و کنگ ساخته شد، ولی اکنون دیگر اثری از این بندار و آن ظاهر قدیمی نیست.»

لنج و موج‌ها و مروارید

«عاشور» این‌طور روایت می‌کرد: «لن بندر دور افتاده تو ساحل خلیج‌فارس سرزمین منه. به جای فراموش‌شده که شاید تو فکر خدا مونده باشه. ما مردم فقیر پاپتی تو این خونه‌های کاهگلی چشم به این دنیای بی‌رحم او کردیم.» او نشسته بود کنار همسرش سرنوشت «مصیب» را می‌گفت که «صیاد مروارید بود، به روز قایش رو تو دریا طوفان زد. بچه‌ش رو دریا گرفت. پای خودشم کوسه زد و بیچاره زنش دیوونه شد.» در «موج طوفان» زن مصیب هر روز کنار دریا پرسه می‌زند؛ دریا حالش خراب است و به صیادان اقبال نمی‌دهد برای صید.

عاشور با حسرت می‌گفت: «یعنی میشه به روز اقبال ما و بشه؟ میشه به روز دریا سینمش رو برای ما او کنه؟» زنش از عبود شوهر شرکت آمریکایی در بندرعباس- نشیده بود که صدفاش مروارید نکند شده‌اند، چون لنجه‌های نفتکش- رفت و آمدشان زیاد شده: «لنجای نفتکش که اومدورفت می‌کنن، موج دریا که میاد، لنجه‌ا لومبر ورمیدان، نفت می‌ریزه تو دریا. به خاطر همینکه که صیادای مروارید یکی یکی کارشون رو ول می‌کنن و میرن کارای دیگه می‌کنن؛ ما میرن آبگیرهای، می‌بینن بندرعباس کارگری، فعلگی. اونایی هم که بی‌ریشن میرن اون طرف مرز.» عاشور یک روز بزرگ‌ترین مروارید را از دریا گرفت و دلال‌ها دنبالش افتادند تا مروارید را او بگیرند. درگیری شد و او ناغافل یکی از آن‌ها را کشت و ناچار شد به فرار. تا اینکه مردم همه‌شدند شدند برای مبارزه با باند دلال‌ها. فیلم «موج طوفان» را «منوچهر احمدی» درسال ۱۳۶۰ بر اساس قصه «مروارید بزرگ» (نوشته جان اشتاین بک) ساخت. تا آن زمان دیگر امواج خلیج در سینما جای باز کرده بود. روزگار «ناخدا خورشید» موج با همان یک لنج می‌گذشت؛ که اگر از دستش می‌رفت، زندگی از کفش رفته بود. «ناصر تقوایی» قصه او را در بندرهای کنگ و لنگه روایت کرد، با مردمی بومی و جزغرافیای واقعی. سال ۱۳۶۵ ناخدا خورشید از آدم‌هایی گفت که زندگی‌شان به دریا و وطن بسته است. فیلم اقتباسی از داستان «داشتن و نداشتن» ارنست همینگووی است و موضوعی اجتماعی و سیاسی دارد: خورشید، ناخدا یک‌دست لنجی بارکش بود که خواجه ماجد او را لو داد و بار سیگارش همه‌دار و نداشت- را به آتش کشیدند. او برای گذران زندگی از کشورهای حاشیه خلیج فارس جنس قاچاق می‌کرد و در جریان حوادث پس از ترور حسنعلی منصور در سال ۴۱ از سر ناچاری راضی شد به فراری‌دادن آدم‌هایی

دعای روز نهم ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْهِ نَصِيْبًا مِّنْ رَّحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، وَاَهْدِنِيْ لِهَيْلِ اِبْرَاهِيْمَكَ السَّاطِعَةِ، وَخُذْ بِنَاصِيَتِيْ اِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ اَيَّ اَمَلِ الْمُتَاسِقِيْنَ خَدَايَا قَرَارْ دِه بَرابِم در این روز بهره ای از رحمت وسعت و راهنمایی کن در این ماه بسوی دلپهای درخشان و مرا بسوی موجبات خشنودی همه جانبه ات سوق ده به حق محبتت ای آرزوی مشتاقان

یک فتناب چای داغ

فیلم‌هایی برای خنده و شادی و آرامش

سینما همیشه برای انسان دستاویزی بوده برای گریز، فرار از تلخی‌های واقعیت و پناه بردن به دنیایی بهتر، آرام‌تر و رویایی‌تر؛ و کدام روز تلخ‌تر و بحرانی‌تر از امروز؛ که کرونا زندگی تمام مردم دنیا را تحت‌تأثیر قرار داده، شهرها و کشورها را تعطیل کرده، مردم را چه به اجبار و چه خواسته‌به انزوا کشانده و رعایت قوانین و قواعدی –تاکوتن- غیرقابل تصور را الزامی کرده، در این روزهای تلخ، نیکلاس باربر، منتقد سینمایی نامدار و شناخته شده‌ای که در گاردین، بی‌بی‌سی، نیویورک تایمز و سایت راتن‌تومیتوز می‌نویسد، بر این باور است که سینما همچنان می‌تواند گریزگاهی باشد برای مردم؛ و با واقعیات و فضاهای رهایی‌بخش، تسلی‌بخش و آرامش‌بخش خود حداقل یکی-دو ساعت آن‌ها را از مشکلات پیرامون دور کند. نیکلاس باربر، با این هدف به معرفی فیلم‌هایی پرداخته که فضا، داستان و واقعیات جذاب و خوشایندشان می‌تواند تلخی‌های انزوا را در روزهای قرطبنه قابل‌تحمل کند. فهرستی که در چند بخش مختلف تنظیم شده و با این جمله آغاز می‌شود: پاپ‌کورن و تقلات و بستنی البته اختیاری است، ولی به شدت توصیه می‌شود.

فیلم‌هایی برای آرامش و سبکباری

آدمی در دوران دشواری با تماشای کسانی که مشکل و دشواری ندارند، روحیه می‌گیرد. در این زمینه می‌توان قهرمان خوشبخت فیلم «برای رضای خدا» (۱۹۲۶) با بازی‌هارولد لوید را مثال زد، که برخلاف دیگر کاراکترهای سینمای صامت با خجاست و دشواری مواجه نیست، بلکه مثل تقریباً تمام کارنامه‌هارولد لوید شخصیت مثبت، ساده، شاد و سبکبار است که با دست باز مشکلات خودش یا دیگران را حل می‌کند. فیلم «بانو آبو» (۱۹۴۱) با بازی هنری فوندا مثال دیگری از این نوع فیلم‌هاست، دربارۀ وارث ثروتمند یک کارخانه که تنها مشکلات سرکوله زدن با زنی است با بازی باربارا استانویک که می‌خواهد ثروت او را تصاحب کند. در این بخش می‌توان –و باید- به فرد آستر و جینجر راجرز نیز اشاره کرد. دو شمایل برجسته شخصیت‌های بی‌خیال که در دوران رکود اقتصادی مخاطبان را با کاراکترهای سبکبارشان در فیلم‌های کلاه سیلندر (۱۹۳۵) و بی‌خیال (۱۹۳۸) سرگرم کردند.

فیلم‌هایی برای سرخوشی

البته پزشکان نتوانست‌اند ثابت کنند که با آهنگ‌های فیلم «آواز در باران» (۱۹۵۲) می‌شود شاد شد. اما تجربه ثابت کرده که این فیلم می‌تواند چند هفته تماشاگرش را به شادی و آواز خواندن و دارد. «آواز در باران» با حضور جین کلی، دویی ریونولز و دونالد اوکارر نه‌تن‌ها تاکنون شناخته‌شده‌ترین محبوب‌ترین فیلم موزیکال‌هایلود بوده، بلکه به‌عنوان یک فیلم کم‌دی نیز یکی از آثار سرزنده دوران گذار از سینمای صامت به ناطق است. مثل «رژه عید پاک» (۱۹۴۸)، «واگن موسیقی» (۱۹۵۲)، «برادران بلوز» (۱۹۵۳) و «فروشگاه وحشت» (۱۹۸۶).

فیلم‌هایی درباره عشق

حرف‌های بالشتی» (۱۹۵۹)، درباره عشق است، در عین حفظ کردن سبک زندگی طرفین داستان، می‌نقلی و کاری و دیگری خوشگذران و بی‌خیال. علاوه بر این کم‌دی رمانتیک الگو شده و امتحان پس‌داده، می‌توان فیلم «چهار عروسی و یک تشییع جنازه» (۱۹۹۴) با بازی هیو گرانت و اندی مک‌داول، و فیلم «وقتی هری سالی را ملاقات کرد» (۱۹۹۸) با بازی بیلی کرستال و مگ رایان را نیز در این بخش مثال زد.

فیلم‌هایی درباره عطفوت و مهر

گاهی آدم بزرگ‌ها مانند کودکان احساس می‌کنند نیاز به حمایت و عطفوت کسی بزرگ‌تر از خودشان دارند. در این موقع تماشاای فیلم کارتونی «کتاب جنگل» (۱۷۹۶) و تماشاای رابطه حمایت‌آمیز بالو خمرش و باگیره پلنگه که وفادارانه و بی‌توقع زندگی‌شان را به‌خطر م‌گلی به خطر می‌اندازند، می‌تواند مک‌داول، و فیلم «وقتی هری سالی را ملاقات کرد» (۱۹۹۸) با بازی بیلی کرستال و مگ رایان را نیز در این بخش مثال زد.

مثال‌های درخشان دیگری در این بخش هستند. «مری پاپایز» (۱۹۶۴)، «گاو صندوق» (۲۰۱۲) و «بودن و داشتن» (۲۰۰۲) مثال‌های درخشان دیگری در این بخش هستند. «فیلم‌هایی درباره نجات‌دهنده‌های جهان خلیه‌ای فیلم‌های جیمز باند را آرامش‌بخش می‌دانند، چرا که این فیلم‌ها برای این گروه (که اغلب سن و سالی از آن‌ها گذشته) حس‌حال آرامش کریسمس را تداعی می‌کند. اما برای عده پرشمارتری نه یادآوری آرامش کریسمس، بلکه تماشای یک قهرمان قدرتمند که افراد شور را شکست می‌دهد، آرامش‌بخش است. در این زمینه می‌توان به فیلم «جاسوسی که دوستم داشت» (۱۹۷۷) اشاره کرد. یکی از تحسین‌شده‌ترین فیلم‌های جیمز باند، که بین قهرمانی و هجو قهرمانی در حرکت است و احساسی خوشایند در مخاطب ایجاد می‌کند. برای کسانی که طرفدار جیمز باند نیستند، اما می‌توان فیلم «جان‌سخت» (۱۹۸۸) را پیشنهاد کرد یا «بندپایان‌چونز و مهاجمان صندوقچه گمشده» (۱۹۸۱) را.

کم‌دی‌های واقعا خنده‌آور

برخی در تماشای کم‌دی‌ها دنبال سیاهی‌های بی‌عدالتی‌ها و ضعف‌های انسانی نیستند و فقط می‌خواهند بخندند و همه چیز را فراموش کنند. یعنی سینما را در حکم دارو می‌خواهند. برای این افراد فیلم «سپینال تپ» (۱۹۸۴) را پیشنهاد می‌کنم. فیلمی از راب راینر که شبیه‌ستندی استادانه و به‌شدت خنده‌دار درباره یک گروه هویت‌مثال است. از دیگر فیلم‌های خنده‌دار می‌توان به «سوپ اردک» (۱۹۳۳)، «بازگشت پلنگ صورتی» (۱۹۷۵)، «هواپیما» (۱۹۸۰)، و بورات (۲۰۰۶) اشاره کرد. در این میان «پنگتون‌های مادام‌اسکار» (۲۰۱۴) را هم فراموش نکنید.

فیلم‌هایی درباره احساس تعلق به جمع

در این زمینه می‌توان به کم‌دی حساب «بهار نیمه اوت» (۲۰۰۸) اشاره کرد. فیلمی از جیانی دی‌گروپو درباره مردی که در روزهای تعطیلات مجبور است از مادر پیرش نگهداری کند. فیلمی که می‌خواهد با یادآوری اهمیت مراقبت به اهمیت ارتباطات اجتماعی نیز تأکید کند. «چه زندگی شگفت‌انگیزی» (۱۹۴۶)، «فول‌ماتی» (۲۰۱۱)، «فول‌ماتی» (۲۰۱۷) دیگر فیلم‌هایی هستند که احساس تعلق خاطر به یک محل را ایجاد می‌کنند؛ و البته «دینگتونز» (۲۰۱۷) که بعید است کسی آن را ببیند و احساس خوبی نداشته باشد.

فیلم‌های آرامش‌بخش

کم‌دی‌سال ۲۰۰۸ مایکل گوندزی به نام «با دقت به عقب برگردان» که در یک ویدیوکلپ می‌گذرد و درباره دوستیانی است که بعد از پاک کردن اتفاقی فیلم‌های ویدیوکلوب، با بازسازی ناشیانه فیلم‌هایی، چون «شکارچیان روح، وقتی ما پادشاه بودیم» ۲۰۰۱، ادیسه فضایی و کرایه دادن آن‌ها سعی می‌کنند آشپاهشان را جبران کنند. فیلمی که فیلم واقعا آرامش‌بخش است. فیلمی درباره کار گروهی، آدم‌ها و روابط محله‌های قدیمی و البته سینما. جادویی که به شکل دیگری در «سینما پارادیزو» (۱۹۸۸) ساخته حیرت‌انگیز جوزپه تورناتوره می‌بینیم و نیز در «سفرهای سالیوان» (۱۹۴۱) به کارگردانی پرستون استرجس.

«سینما ماشین»؛ نقطه عطفی در سینمای ایران پس از انقلاب

برج میلاد جمعه شب با افتتاح بزرگ‌ترین سالن سینمای محیطی، میزبان رویدادی فرهنگی بود که در نوع خود کم نظیر و به جرات می‌توان گفت که بعد از افتتاح کنسرت های آنلاین در ایام نوروز، اینبار نوبت صنعت سینما بود که پاس از انقلاب ایران عنوان کرد. شبی که علاقه مندان به سینما با چهره های مسلک زده و دستکش به دست با ماشین های خود وارد مجموعه برج میلاد شدند تا در بزرگترین سالن سینمای کشور به وسعت ۱۷ هزار متر مربع تجربه متفاوتی از تماشای فیلم را از داخل ماشین بر روی پرده ای ۱۵۰ متر مربعی داشته باشند و صدای فیلم را از دستگاه بخش صوت خودروی خودشان بشنوند.
داشته باشند شماره ۱۲ برج میلاد ملو از ماشین هایی بود که سرشتینان آن اجازه پیاده شدن نداشتند و باید از داخل خودرو بازی درخشان فرامرز قریبیان در فیلم «خروج» حاتمى کيا را تماشا می کردند.قطعا این اقدام که با حمایت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و همکاری موسسه اوج شکل گرفته در تاریخ سینمای ایران برای مزایه و شکست بیماری کووید ۱۹(کرونا) برای همیشه ماندگار خواهد شد و شاید هم روزگاری به سوژه ساخت یک اثر سینمایی برای هنرمندان سرزمینمان تبدیل شود.